



The Role of the Concept of the Self in Religious Education and the Prevention of Social Harms among Youth

Zahra Saeidi¹, Seyedeh Roghayeh Mehrinejad², Leyla Saeidi³

1. Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran, Email: saidi.zahra@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Iranshahr Branch, Islamic Azad University, Iranshahr, Iran, Email: sr.mehrinezhad@iau.ac.ir

3. Master's Degree, Islamic Azad University, Garmsar Branch, Garmsar, Iran, Email: saidileyla61@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received
September 14, 2022
Accepted
November 27, 2022

Keywords:
Self-control, Religious
Education, Social
Harms, Youth

ABSTRACT

Objective: The process of religious education is based on four pillars: the educator, the learner (educatee), educational content, and context. Depending on the emphasis placed on either the educator or the learner, the pedagogical approach is categorized as either "educator-centered" or "learner-centered." This study aims to delineate the position and role of the learner (the "self") within the process of religious education and to examine how this role influences the prevention of social harms among youth.

Method: Employing a descriptive-analytical research method, this study seeks to address the fundamental question of how the role of the "learner's self" (the youth) is conceptualized within the framework of religious education, and what function this role serves in addressing social harms.

Results: The findings indicate that within the model of religious education, the most pivotal role is held by the learner themselves, who achieves immunity against social harms through self-control and the strengthening of taqwa (piety). Furthermore, the key indicators of a learner-centered approach were identified as: an emphasis on the learner's freedom and agency, a focus on responsibility and duty-orientation, the cultivation of critical thinking and contemplation, and the strategic use of admonition and encouragement.

Conclusion: Enhancing self-control for the prevention of social harms among youth requires strengthening socialization, promoting the religious culture of silat al-rahm (maintaining kinship ties), and reinforcing the internal regulation of the faculties of lust and anger. By implementing these strategies, youth can translate religious teachings from abstract concepts into practical actions, thereby becoming more resilient against moral and social challenges through self-restraint. Ultimately, by shifting the focus from external pressures to the internal empowerment of the learner, this approach creates a framework in which the individual not only distances themselves from social harms but also becomes an active agent in preserving the psychological and moral health of society.



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۸۹۴۴-۲۹۸۰

پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی

<http://www.api.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

نقش مفهوم «خود» در تربیت دینی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی در میان جوانان

زهرا سعیدی^۱، سیده رقیه مهری نژاد^۲، لیلا سعیدی^۳

۱. گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، ایمیل: saidi.zahra@ymail.com

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب واحد ایرانشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایرانشهر، ایران، ایمیل:

sr.mehrinezhad@iau.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران، ایمیل: saidileyla61@gmail.com

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۶/۲۳

پذیرش نهایی:

۱۴۰۱/۰۹/۰۸

واژگان کلیدی:

خودکنترلی، تربیت دینی، آسیب-

های اجتماعی، جوان

چکیده

هدف: فرایند تربیت دینی بر چهار رکن مربی، متربی، محتوای تربیتی و زمینه استوار است که بسته به میزان تأکید بر هر یک، رویکرد تربیتی به دو صورت «مربی محور» یا «متربی محور» شکل می گیرد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین جایگاه و نقش متربی (خود) در فرایند تربیت دینی و بررسی چگونگی تأثیرگذاری این نقش بر پیشگیری از آسیب های اجتماعی در میان جوانان است.

روش پژوهش: این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تلاش می کند تا به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که نقش «خود متربی» (جوان) در سازوکار تربیت دینی چگونه تبیین شده و این نقش در مواجهه با آسیب های اجتماعی چه کارکردی دارد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان می دهد که در الگوی تربیت دینی، مؤثرترین نقش بر عهده خود متربی است که با بهره گیری از خودکنترلی و تقویت تقوا، در برابر آسیب های اجتماعی مصونیت می یابد. همچنین مهم ترین شاخص های تربیت متربی محور شامل تأکید بر آزادی و اختیار متربی، تکیه بر مسئولیت و تکلیف مداری، پرورش تفکر و تدبیر و بهره گیری از پند و تشویق شناسایی شدند.

نتیجه گیری: ارتقای خودکنترلی جهت پیشگیری از آسیب های اجتماعی جوانان، مستلزم تقویت جامعه پذیری، توسعه فرهنگ دینی «صله رحم» و تقویت مهار درونی قوای شهوت و غضب است. با پیاده سازی این راهکارها، جوانان قادر خواهند بود آموزه های دینی را از سطح مفاهیم ذهنی به مرحله عمل درآورده و با اتکا به خویش شدن داری، در برابر چالش های اخلاقی و اجتماعی مقاوم تر شوند. در واقع، این رویکرد با تغییر کانون تمرکز از فشارهای بیرونی به توانمندسازی درونی متربی، بستری را فراهم می کند که در آن فرد نه تنها از آسیب ها فاصله می گیرد، بلکه به عاملی فعال در حفظ سلامت روانی و اخلاقی جامعه تبدیل می شود.

۱- مقدمه

در فرایند تربیت دینی عوامل و عناصر متعددی دخالت دارند که هم صاحب‌نظران مسائل اجتماعی و تربیتی درباره آنها بحث و گفتگو کرده‌اند و هم اندیشمندان مسلمان از منظر آیات و روایات به آن پرداخته‌اند. به طور کلی با تحلیل عقلی می‌توان گفت تربیت دینی بر چهار رکن استوار است؛ به بیان دیگر در فرایند تربیت دینی چهار عامل اصلی نقش دارند: مربی^۱ (الگو)، مربی^۲ (خود)، محتوی^۳ (آموزه‌های دینی)، زمینه^۴ (بستر و فضایی که تربیت در آن شکل می‌گیرد). از عوامل یاد شده دو عامل مربی و مربی‌کنش‌گران تربیتی هستند که حسب میزان تأثیری که برای هر یک در نظر گرفته شود بیانگر گزینش رویکرد خاصی در تربیت است. اگر نقش اصلی برای مربی در نظر گرفته شود تربیت، «مربی محور» خواهد بود و اگر برای مربی در نظر گرفته شود تربیت «مربی محور» محسوب می‌شود. نقش دو رکن دیگر یعنی محتوی و زمینه در طول فرایند تربیتی تمام رویکردها، غیر قابل انکار است. عوامل محیطی مانند محیط خانواده، محیط آموزشگاهی، محیط کار و حرفه، محیط دوستان و معاشران، محیط رسانه و فضای مجازی هر کدام به طریقی در تربیت انسان مؤثر است. از آنجا که زمینه و زمانه عصر حاضر، به علت گسترش سریع و روزافزون فناوری‌های نوین و نفوذ رسانه‌ها و فضای مجازی در جای‌جای زندگی مردم به‌طور مستمر تغییر می‌یابد، اهمیت توجه به تربیت انسان خاصه نسل جوان دو چندان شده و انجام تحقیقات در این حوزه بیش از پیش ضرورت یافته است. این تحولات سریع‌السیر می‌تواند هم فرصتی مغتنم برای تولید محتوا و برنامه‌های مؤثر مبتنی بر مبانی و اصول تربیت دینی به‌شمار آید و هم بر اثر بی‌توجهی و سوء مدیریت تهدیدی باشد برای ترویج و گسترش لجام‌گسیخته بی‌بند و باری و تربیت ضد اخلاقی و دامن زدن به آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه نسل جوان. پژوهش حاضر برحسب همین ضرورت و برای پرکردن بخشی از خلأ تحقیقاتی در این زمینه انجام یافت تا پاسخی برای این سؤال اصلی پژوهش باشد: نقش خود مربی (جوان) در فرایند تربیت دینی و آسیب‌های اجتماعی چگونه است؟ برای دستیابی به پاسخ سؤال اصلی یاد شده به پرسش‌های فرعی هم تا حد امکان در چارچوب محدود این تحقیق پرداخته می‌شود، مانند اینکه: نقش مربی (خود) در فرایند تربیت دینی چگونه است؟ نحوه تأثیر و تأثر مربی در کاهش یا افزایش آسیب‌های اجتماعی چگونه است؟ دیدگاه صاحب‌نظران حوزه تربیت در این زمینه چیست؟ آموزه‌های دینی چه نظری را ارائه می‌دهند؟ بررسی نقش سه رکن دیگر (مربی، محتوی و زمینه) یا مسائل مرتبط با تربیت دوران کودکی و قبل از بلوغ عقلی مربی، محل بحث اصلی این تحقیق نیست.

مراد از تربیت دینی در این پژوهش، شناخت آموزه‌های دین اسلام و تبدیل آنها به باورهای قلبی و تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آن باورها است. در واقع در فرایند تربیت دینی، مربیان به‌گونه‌ای تربیت می‌شوند که با تقویت دانش و آگاهی، نگرش و باور آنها تعمیق یافته و در حوزه عمل رفتارهای فردی و اجتماعی آنها مبتنی بر آن باورها و هنجارها بروز خواهد کرد.

مراد از مربی در این پژوهش به عنوان یکی از ارکان اصلی تربیت، گروه سنی جوانان است. یعنی مقطعی از سن که از یک سو قوای عقلانی و معنوی انسان در حال شکوفایی است و از سوی دیگر نیروها و کشش‌های نفسانی‌اش در حال شدت و قوت گرفتن است؛ مزید بر این دو ویژگی، جوان به جهت بلوغش مکلف و مسئول بوده و افق نگاهش آکنده از پرسش و ابهام و شبهات است.

عطف توجه نگارنده به یکی از موضوعات چالشی عصر حاضر که بعضاً در قالب این پرسش اتهام آمیز در بین متولیان تربیت مبادله می‌شود: علت افزایش بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی جوانان چیست و مقصر کیست؟ می‌تواند نشانه‌ای بر نوآوری این تحقیق محسوب شود؛ چون نگارنده نقش خود مربی را که به‌گونه‌ای مغفول مانده است را مورد توجه و تأکید قرار داده است. مطالب این تحقیق شامل یک مقدمه، دو بخش و یک خاتمه است. پس از این مقدمه در بخش اول مسائل مرتبط با «تربیت» و در بخش دوم مسائل مرتبط با «خودکنترلی» و در خاتمه هم بحث و تحلیل و نتایج تحقیق ارائه می‌شود.

1. the coach، educator

2. trainer، trainee، self

3. content، The content of education، Educational teachings

4. Educational context، Context and time

۲- بخش اول تربیت و مسائل آن

مطالب این بخش به ترتیب تحت عناوین: مفهوم تربیت و تربیت دینی، نظام تربیت دینی، مبانی تربیت دینی، تربیت متربی محور و شاخص‌های آن سامان یافته و تبیین می‌شود.

۲-۱- مفهوم تربیت و تربیت دینی

بیشتر اهل لغت، واژه «تربیت» را از ریشه «رب» گرفته و گفته‌اند: «الرَّبُّ در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهائی و تمام و کمال آن برسد».^۱ برخی هم «تربیت» را از ریشه «ربو» به معنای سرزمین بلند و مرتفع گرفته و گفته‌اند: «رَبُّوَة، رُبُوَة، رُبُوَة، رَبَاوَة (سرزمین بلند و مرتفع) خدای تعالی گوید: «إِلَى رَبُّوَة ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ» (مؤمنان/۵۰) (به سرزمین مرتفعی که آب جاری داشت).^۲ مصطفوی در باره این آیه: «وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء/۲۴) می‌گوید: «مناسب این است که واژه «تربیت» در این موارد از ماده «ربو» باشد نه «رب»، برای اینکه معنای عام این واژه در همه این موارد عبارت است از افزایش جسمانی و رشد مادی ظاهری تحت نظارت والدین».^۳ نتیجه این که اگر «تربیت» از ریشه «ربو» درست باشد معنای تربیت در فارسی پرورتن یا پرورش دادن، رشد دادن و به کمال رساندن خواهد بود که شامل دو بعد مادی و معنوی می‌شود و اگر از ریشه «ربو» گرفته شود تربیت به معنای تغذیه و حمایت و صیانت متربی در برابر آسیب‌ها می‌شود. تربیت در اصطلاح به معنای فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادهای نهفته در شیء یا شخص است. در تعریف تربیت آورده‌اند که: «تربیت عبارت است از پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است».^۴ یا این‌که گفته شده است: «تربیت، عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده».^۵

در قرآن کریم واژه تربیت از ریشه «ربو» دو بار به کار رفته است؛ یکی در سوره اسراء آیه ۲۴: «وَقُلْ رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: «پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند). و دیگری در سوره شعراء آیه ۱۸: «قَالَ اَلَمْ نُرَبِّكَ فِیْنَا وَلِیْدًا» [فرعون] گفت: «آیا تو را از کودکی در میان خود نپروردیم». همچنین به جای واژه تربیت به معنای به کمال رساندن، از دو واژه دیگر هم استفاده کرده است: یکی «انبات»؛ «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ اَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران/۳۷) (پس پروردگارش وی [=مریم] را با حُسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد). و دیگری «صنع»؛ «وَالْقَیْتُ عَلَیْكَ مَحَبَّةً مِّنْیَ وَ لَتُصْنَعَنَّ عَلَی عَیْنِی» (طه/۳۹) (و مهری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی).

در کنار سه واژه «تربیت»، «انبات» و «صنع» واژه «تزکیه» از ریشه «زکو» نیز آمده است که اهل لغت دو معنا برای آن ذکر کرده‌اند: یکی «رشد و نمو دادن» و دیگری «تطهیر و پاک کردن».^۶ علامه طباطبایی می‌گوید:

«تزکیه از باب تفعیل از زکات مشتق شده است که به معنای رشد شایسته است، به گونه‌ای که همراه با خیر و برکت باشد. پس تزکیه مردم توسط پیامبر یعنی رشد شایسته دادن آنها از طریق عادت دادنشان به اخلاق نیک و رفتار شایسته تا بدین وسیله در انسانیتشان به کمال برسند و وضعیتشان در دنیا و آخرت بهبود یابد و سعادتمند زندگی کنند و سعادتمندانه بمیرند».^۷ ابن عاشور می‌گوید: «تزکیه به

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، مرتضوی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴، ج ۲؛ ص ۲۹

۲. راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲؛ ص ۳۹

۳. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۳۴

۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۸۲، ص ۲۰-۲۲ و ۵۷-۶۹

۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۴۱-۳۶۶

۶. طریحی، فخر الدین؛ مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۵

۷. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق. ج ۱۹، ص ۲۶۶

معنای چیزی را دارای خیر کثیر قرار دادن است. پس سخن خداوند که فرمود: «تَطَهَّرْهُمْ»، اشاره دارد به مقام تخلیه از بدی‌ها و سخنش که فرمود: «تَرْكِبْهُمْ»، اشاره دارد به مقام تخلیه و آراستن به فضایل و نیکی‌ها و ناگزیر تخلیه مقدمه تخلیه است. پس معنای آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه/ ۱۰۳) می‌شود: صدقه، کفاره گناهانشان و باعث جلب ثواب عظیم می‌گردد.^۱

۲-۲- نظام تربیت دینی

نظام‌های تربیتی بر اساس بینش و نگرش بنیان‌گذاران آن‌ها، نسبت به حقیقت و ابعاد وجودی انسان، اهداف تربیتی مورد نظر و نوع اعتقادی که به کیفیت رشد و حرکت انسان بسوی هدف مطلوب دارند بنا می‌شود. در واقع این بینش‌ها و نگرش‌ها، مبانی تربیتی هر نظامی را شکل می‌دهد؛ اگرچه ممکن است آگاهانه مورد توجه و تصریح، قرار نگیرد. هدف از تربیت دینی فراهم کردن زمینه‌ی تکامل هر چه بیشتر انسانها است؛ و هدفهای کاربردی همگی در این راستا قرار می‌گیرند. نظام تربیت دینی مبتنی بر مبانی خاصی است که از بینش حاصل از آموزه‌های دینی نشأت می‌گیرد. در تربیت دینی توجه به مبانی و اصول عملی، ضروری است. براساس بینش دینی، نسبت به حقیقت انسان و ابعاد وجودی و هدف آفرینش و کمال‌نهایی و کیفیت حرکت وی بسوی آن هدف، می‌توان نکاتی را به عنوان مبانی تربیت دینی در نظر گرفت.

۲-۳- مبانی تربیت دینی

در دانش لغت، مبانی جمع واژه «مبنا» است؛^۲ که به ابتدا، اول و پایه^۳ معنا شده است. از همین رو پی و ریشه هر چیز را مبناي آن چیز می‌گویند. از نظر اصطلاحی مبانی یعنی مقدمات و مقومات یک چیز. مثلاً «مبانی تربیت» یعنی مقدمات و مقومات تربیت. به طور کلی مبانی هر علم باورهای بنیادینی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده، اصول موضوعه آن علم شناخته شده و مسائل آن علم بر آن‌ها استوار است.^۴

مبانی تربیت دینی گزاره‌های بنیادین جهان‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای هستند که جایگاه انسان را در جهان هستی از منظر دین بیان می‌کنند. معمولاً گزاره‌های مرتبط با مبانی تربیت، گزاره‌های خبری هستند که در قالب «هست‌ها» و «نیست‌ها» بیان می‌شود و در مقابل، «اصول» عبارت است از سلسله قواعد و معیارهای کلی که دربرگیرنده ارزش‌ها و اولویت‌ها است و از مبانی استخراج شده و معمولاً به صورت «بایدها» و «نبایدها» بیان می‌شوند و روش‌های تربیت نیز مبتنی بر اصول خواهند بود. همان‌طور که قبلاً اشاره شد با نظر به موضوع اصلی این پژوهش و ضرورت رعایت چارچوب‌های مقرر، امکان توضیحات تفصیلی برای مطالب جانبی میسر نخواهد بود؛ از این‌رو به مهم‌ترین مبانی تربیت دینی در قالب گزاره‌های ذیل اشاره می‌شود؛ و تبیین و توصیف آن‌ها نیاز به مقاله‌های دیگری دارد:

۱. خدا مبدا هستی است. ۲. آفرینش جهان و انسان هدفمند است و ماهیت «ازایی» و «به سوی اوایی» دارد. ۳. خداوند در همه جا و هر زمان حاضر و ناظر بر اعمال انسان است. ۴. عالم آخرت و زندگی پس از مرگ وجود دارد. ۵. انسان دارای فطرت الهی است. ۶. انسان موجودی دوبعدی و مرکب از روح و جسم است. ۷. انسان دارای نیروی عقل و اندیشه است. ۸. انسان دارای اراده و اختیار است. ۹. انسان دارای کرامت و شرافت است. ۱۰. انسان کمال‌خواه و حقیقت‌جو است. ۱۱. انسان نسبت به سعادت خود، خانواده و جامعه مسئول است. ۱۲. انسان دارای عواطف و هیجانات است. ۱۳. انسان موجودی اجتماعی و جمع‌گرا است. ۱۴. رهبران معصوم (ع) و برگزیده خدا بهترین راهنما و الگو برای رشد و کمال انسان هستند.^۵

۱. ابن‌عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن‌عاشور، مؤسسه التاریخ العربی - بیروت - لبنان، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۹۶

۲. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحیط، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۵

۳. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۷۵۸

۴. سبزواری، هادی، شرح منظومه، به کوشش حسن زاده آملی، تهران، نشر ناب، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۸۷-۸۸

مهم‌ترین اصول حاکم بر تربیت دینی که از مبانی تربیت دینی استخراج می‌شوند عبارتند از: ۱- خدا محوری ۲. اخلاق مداری ۳. مربی محوری قبل از بلوغ فکری ۴- مربی محوری پس از بلوغ فکری ۵- تلاش‌گری و عمل‌گرایی ۶- اعتدال‌گرایی ۷- محبت ورزی ۸- خوف ورجا ۹- آخرت اندیشی ۱۰- آرمان‌گرایی^۱

۲-۴- تربیت دینی «مربی محور»

یکی از مهمترین مسائل در باره تربیت این است که آیا تربیت منشأ و خاستگاه درونی دارد یا بیرونی؟ اگر خاستگاه آن بیرونی در نظر گرفته شود مفهومش این است که تربیت مربی محور است و مربی باید توسط نیروی بیرونی (مربی) تحت تربیت قرار گیرد و برنامه و دستورات او را اجرا کند. اگر خاستگاه آن درونی در نظر گرفته شود تربیت مربی محور است و مربی باید تحت تأملات درونی خود و تمرینات لازم عمل کند و در صورت وجود مربی بیرونی نقش مربی فقط زمینه‌سازی برای مربی است تا اینکه بتواند دریافت و تأملات درونی داشته باشد؛ یا حالت سومی باید در نظر گرفت و آن این که بخشی از مسئولیت تربیت بر عهده مربی بیرونی است و بخش دیگر به عهده مربی.

در موضوع تربیت علاوه بر بررسی در باره میزان نقش مربی یا مربی در تربیت، ویژگی‌ها و شرایط دوره سنی آنها بویژه مربی نیز حائز اهمیت است. چون نقش خود مربی در دوره کودکی نسبت به دوران نوجوانی و جوانی بسیار متفاوت است. یعنی نقش خود کودک در فرایند تربیت، کمتر از نقش نوجوان و نقش جوان یا بزرگسال هم در تربیت بیشتر از نقش یک نوجوان است.

۲-۵- مهم‌ترین شاخص‌های تربیت «مربی محور»

نظر به موضوع بحث این پژوهش که بررسی نقش خود در تربیت و متناظر به مربی محوری است قبل از هر چیز لازم است شاخص-های تفکیک‌کننده در روش مربی محور یا مربی محور تعیین شود؛ به همین جهت مهم‌ترین شاخص‌ها به شرح ذیل قایل ذکر است: ۱- آزادی مداری: در روش مربی محور تأکید بر آزادی و اختیار مربی است و باور بر این است که مربی خودش توانایی تشخیص و تمیز خوب و بد را دارد و با اختیار دست به انتخاب و گزینش می‌زند. ولی در روش مربی محور پیش‌فرض این است که مربی توانایی تشخیص و انتخاب صلاح خود را ندارد و باید با تقلید و تسلیم در برابر مربی، بدون چون و چرا آموزه‌های تربیتی مربی را بپذیرد.

۲- مسئولیت مداری: در روش مربی محور تکیه بر مسئولیت و تکلیف مربی است. یعنی تأکید بر خودسازی و خودکنترلی است ولی در روش مربی محور پیش‌فرض این است که مربی مسئولیت اصلی و نقش محوری را برای تربیت مربی دارد.

۳- اندیشه‌مداری: در روش مربی محور تأکید بر تفکر و اندیشه و تدبیر مربی است ولی در روش مربی محور تأکید بر تسلیم و تعبد و اطاعت است.

۴- الگو مداری: در روش مربی محور خود مربی در انتخاب یا عدم انتخاب الگو مختار است ولی در روش مربی محور الگودهی از جانب مربی است و مربی تابع است نه محقق و مخیر.

۵- روش‌مندی: در روش مربی محور تأکید بر پند و اندرز و موعظه و تشویق و ترغیب است ولی در روش مربی محور تأکید بر دستور و فرمان و الزام برای اطاعت است.

۳- بخش دوم خودکنترلی

مطالب این بخش به ترتیب تحت عناوین: مفهوم خودکنترلی، خودکنترلی از دیدگاه قرآن و روایات، خودکنترلی از دیدگاه دانشمندان غربی و راه‌کارهای ارتقاء خودکنترلی برای پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی جوانان تنظیم و تبیین می‌شود.

۳-۱- مفهوم خودکنترلی

خودکنترلی مرکب از دو کلمه «خود» و «کنترل» است. «خود» در لغت به معنی شخص، ذات، خویش و خویشتن است. «کنترل» در اصل واژه‌ای فرانسوی است که در زبان فارسی به معنای بازرسی، مراقبت و نظارت داشتن، توانایی اداره و هدایت خود یا دیگران به کار می‌رود؛^۱ بنابراین خودکنترلی در لغت به معنای مهار خویشتن است که از آن به خودنگهداری، خویشتن‌داری، خودمراقبتی، کف‌النفس و غیره هم تعبیر می‌شود.^۲

در اصطلاح جرم‌شناسی، صاحب‌نظران، خودکنترلی را توان مقاومت در برابر کشش‌ها و جذابیت‌های موجود در جرائم معرفی کرده‌اند.^۳

۳-۲- خودکنترلی از دیدگاه قرآن و روایات

در آیات و روایات غالباً از واژه تقوی^۴ و مشتقات آن جهت رسانیدن مفهوم خودکنترلی و خودمدیریتی استفاده شده است. تقوا از «وقایه»، و وقایه به معنی حفظ شیء است از آن چه به او زیان برساند.^۵ تقوی، ملکه و حالت معنوی و درونی است که انسان را از زشتی‌ها و آنچه مورد نهی خداوند متعال است، بازمی‌دارد و مهمترین ثمره‌ی عقاید اسلامی در زمینه خداشناسی و توحید و معاد می‌باشد.

در آیات قرآن کریم ۲۴۳ بار^۶ واژه تقوا به صورت اسمی و فعلی و به عنوان صفت به کار رفته است مانند: «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا» (دهر/ ۱۱) (پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادایی و شادمانی به آنان ارزانی داشت)؛ «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ (تحریم/ ۶) (خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید)؛ «فَاكْهَيْنَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (طور/ ۱۸) (به آنچه پروردگارشان به آنان داده دلشادند، و پروردگارشان آنها را از عذاب دوزخ مصون داشته است)؛ «فَوَقَاةُ اللَّهِ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا وَحَاقَ بِالْفِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ» (غافر/ ۴۵) (پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می‌کردند حمایت [حفاظت] فرمود، و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت)؛ «وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ» (دخان/ ۵۶)، (و [خدا] آنها را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد).

در فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد.^۷ شهید مطهری تقوی را از ماده «وقی» به معنای حفظ و صیانت و نگهداری دانسته و معنای مناسب برای واژه تقوی را «خودنگهداری» می‌داند و از ترجمه‌های فارسی این کلمه به ترس، پرهیز و اجتناب اظهار تعجب کرده‌اند.^۸ او می‌گوید: «تقوای دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین

۱. دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲.

۲. ملک، فاطمه، اخوان مقدم، زهره، قطبی، ثریا، مؤلفه‌های شناختی خودکنترلی در روایات امام رضا (علیه السلام) با روش تحلیل محتوا، فرهنگ رضوی، سال هشتم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۳۲، صص ۱۷۵ - ۲۰۸

۳. Hirschi, Travis and Gottfredson, Michael R (1993), Commentary: Testing the General Theory of Crime, Journal of Research in Crime and Delinquency 30 (1). Hirschi and Gottfredson, 1993: 53 and 85

۴. این واژه از ریشه «وقی، یقی، وقایه» است که اصل آن «وقیا» بوده (مصطفی، ابراهیم، نجار، محمد علی، المعجم الوسیط، زیات، احمد حسن،

عبدالقادر، حامد، دار الدعوة، ۱۹۸۹م، ۱۰۵۲) که به سبب قواعد اعلال تبدیل به «تقوی» شده است فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت،

چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ۱۹۷۸

۵. راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۷۹

۶. عبد الباقی؛ محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دار الکتب المصریة القسم، ۲۰۱۶م، ص ۷۵۸

۷. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۲

۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (تقوا (ده گفتار)، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص: ۶۹۰-۶۸۸

کرده، خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود.^۱ به عقیده شهید مطهری، ما دو نوع تقوی می‌توانیم داشته باشیم؛ یکی تقوای ضعف و دیگری تقوای قوت است. «نوع اول این است که انسان برای این که خود را از آلودگی‌های معاصی حفظ کند، از موجبات آن‌ها فرار می‌کند و خود را همیشه از محیط گناه دور نگه می‌دارد. نوع دوم این که در روح خود حالت و قوتی به وجود آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی دهد اگر در محیطی قرار گیرد که وسایل و موجبات گناه فراهم باشد، آن حالت و ملکه روحی، او را حفظ کند».^۲ بنابر این می‌توان گفت تقوی یعنی ملکه‌ای که باعث قوت و قدرت روح میشود تا امیال و خواش‌های نفسانی و احساسات سرکش روح را رام و مطیع سازد و معنای متقین هم یعنی خودنگهداران.

در قرآن می‌خوانیم: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره / ۱۸۳) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید). در توضیح ابن آیه آورده‌اند: «اگر تقوا به معنای خوف و ترس باشد، مگر روزه‌داری در انسان خوف ایجاد می‌کند؟ چه تناسبی بین خوف و روزه می‌باشد؟ در حالی که اگر تقوا به معنای خود نگهداری و تحفظ باشد (که هست)، بین تحفظ و روزه‌داری ارتباط مستقیم وجود دارد؛ زیرا روزه کلاس تمرین برای تحفظ و خود نگهداری است. یا در آیه: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» (آل عمران / ۱۰۲) اگر تقوی را به معنای خوف بگیریم، آیه معنا و مفهومی پیدا نخواهد کرد، ولی اگر به معنای تحفظ و خود نگه‌داری بگیریم، آیه منظوری روشن و هدفی مشخص خواهد داشت».^۳

از آن جا که تقرب به خداوند برترین هدفی است که عالمان و همه مؤمنان طالب آن هستند و خداوند رحمان و رحیم است و واجد همه صفات کمال است، نمی‌توان از تقوای او تعبیر به ترس کرد. بنابراین اگر ترسی در دل بندگان هست، مربوط به سوء عمل خود آن‌ها است، پس انسان با تقوا، همواره از این که تحت تأثیر نفس اماره خود قرار گیرد، باید خائف و بیمناک باشد. در روایات تعاریف و توصیه‌های فراوانی درباره تقوی شده است. در نهج البلاغه تقوا از رایج‌ترین کلمات است و مرادف با مفهوم پرهیز نیست.^۴ شهید مطهری می‌گوید: «تقوا در نهج البلاغه نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید ... این حالت، روح را نیرومند و شاداب می‌کند و به آن مصونیت می‌دهد... تقوا آثار و لوازم و نتایجی دارد و از آن جمله پرهیز از گناه را سهل و آسان می‌نماید».^۵

علی (ع) خطاها و گناهان هوای نفسی را مانند اسبهای سرکش لجام گسیخته می‌داند که اختیار از کف سوارش خارج شده و او را در آتش می‌افکند. در ادامه می‌فرماید: «الَا وَ أَنَّ التَّقْوَى مَطَايَا ذُلُّ حُمْلٍ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَ أَعْطُوا زَمَّتْهَا فَأَوْزَدَتْهُمْ الْجَنَّةَ»^۶ (و مثل تقوا مثل مرکبهای رهوار و مطیع و رام است که مهارشان در دست سوار است و آن مرکبها با آرامش سوارهای خود را به سوی بهشت می‌برند). در نهج البلاغه تقوا نوعی ضامن و وثیقه در برابر گناه و لغزش معرفی می‌شود و در عین حال تاکید می‌کند انسان از حراست و نگهداری تقوا نباید آنی غفلت ورزد؛ شهید مطهری در این باره توضیح می‌دهد: «تقوا نگهبان انسان است و انسان نگهبان تقوا... این نگهداری متقابل از نوع نگهداری انسان و جامه است که انسان نگهبان جامه از دزدیدن و پاره شدن است و جامه نگهبان انسان از سرما و گرماست، و چنانکه می‌دانیم قرآن کریم از تقوا به «جامه» تعبیر کرده است: «وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ» (اعراف / ۲۶). علی (ع) در باره نگهداری متقابل انسان و تقوا می‌فرماید: «اَيَقْظُوا بِهَا نَوْمَكُمْ وَ أَقْطَعُوا بِهَا يَوْمَكُمْ وَ أَشْعَرُوا قُلُوبَكُمْ وَ ارْحَضُوا بِهَا دُنُوبَكُمْ ... الا

۱. مطهری (ده گفتار)، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص: ۶۹۲

۲. مطهری (ده گفتار)، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص: ۶۹۲-۶۹۳

۳. موحدی لنگرانی، محمد فاضل، کریمی، حسین، آئین کشورداری امام علی (ع)، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۶۴

۴. مطهری (سیری در نهج البلاغه)، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص: ۵۰۲

۵. مطهری (سیری در نهج البلاغه)، ۱۳۸۹، ج ۱۶، صص ۵۰۳ و ۵۰۴

۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق. صص ۵۸-۵۷

فَصَوْنُهَا وَ تَصَوَّنَا بِهَا»^۱. (خواب خویش را به وسیله تقوا تبدیل به بیداری کنید و وقت خود را با آن به پایان رسانید و احساس آن را در دل خود زنده نمایید و گناهان خود را با آن بشوید ... همانا تقوا را صیانت کنید و خود را در صیانت تقوا قرار دهید). همچنین می‌فرماید: «اوصيكمُ عبادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ الْمَوْجِبَةُ عَلَى اللَّهِ حَقِّكُمْ وَ أَنْ تَسْتَعِينُوا عَلَيْهِ بِاللَّهِ وَ تَسْتَعِينُوا بِهَا عَلَى اللَّهِ»^۲.

(بندگان خدا! شما را سفارش می‌کنم به تقوا. همانا تقوا حق الهی است بر عهده شما و پدیدآورنده حقی است از شما بر خداوند. سفارش می‌کنم که با مدد از خدا به تقوا نائل گردید و با مدد تقوا به خدا برسید).
واژه دیگری که به معنای خودنگهداری است «ورع» می‌باشد که در باره آن گفته‌اند: «أَنَّ الْوَرَعَ لَهُ أَوَّلٌ وَهُوَ الْامْتِنَاعُ مِمَّا حَرَّمَهُ الْفَتْوَى وَهُوَ وَرَعُ الْعَدُولِ، وَ لَهُ غَايَةٌ وَهُوَ وَرَعُ الصَّدِيقِينَ وَ ذَلِكَ هُوَ الْامْتِنَاعُ مِنْ كُلِّ مَا لَيْسَ لِلَّهِ مِمَّا أَخَذَ بِشَهْوَةٍ...»^۳ (تقوا آغازی دارد که آن خودداری از آنچه فتوا نهی کرده است می‌باشد و غایتی دارد که تقوای صدیقین است و آن خودنگهداری از هر چیزی که برای خدا نیست و ناشی از شهوت است می‌باشد).

۳-۳- خودکنترلی از دیدگاه دانشمندان غربی

«روسو» به عنوان یکی از نظریه‌پردازان در کتاب «امیل» درباره آموزگار می‌گوید: «من ترجیح می‌دهم استاد این فن را مربی بنامم تا آموزگار، زیرا او باید بیشتر راهنمایی کند تا تعلیم و نباید دستورات را به کودک بیاموزد، بلکه باید کاری کند که خود طفل آنها را کشف کند.»^۴

«کانت» در نظریه تربیتی خودش بر این نکته تأکید دارد، آنجا که می‌گوید: «بشر را می‌توان در هم شکست، تربیت کرد و ماشین‌وار تعلیم داد یا اینکه او را واقعاً روشن‌گر ساخت، سگ‌ها و اسب‌ها را درهم می‌شکنند و با بشر هم می‌توان چنین کرد. ولی آنچه بی‌نهایت اهمیت دارد، این است که او اندیشیدن را یاد بگیرد.»^۵

«فردریک مایر» در کتاب «تاریخ اندیشه‌های تربیتی» می‌گوید: «معلم در صورتی می‌تواند به خلاقیت کمک کند که دانش‌آموزان را برانگیزد، ذوق‌های نهفته آنان را مکشوف سازد و به اصالت و فردیت آنان احترام بگذارد. هدف معلم باید آن باشد که دانش‌آموزان را از فعل‌پذیری به فعالیت و از تقلید به خلاقیت راهنمایی کند.»^۶ یکی دیگر از صاحب‌نظران این حوزه می‌گوید: «کودکان در مالکیت هیچ کس نیستند، نه در مالکیت والدین خود و نه در مالکیت جامعه، آنها تنها به آزادی آتی خود تعلق دارند.»^۷

به نظر می‌رسد اگرچه برای مربی محوری دلایل اقناع آوری هست ولی برخی دیدگاه‌های تربیتی نوعی افراط‌گرایی در مربی محوری تلقی می‌شود، زیرا هدف تربیت به هر گونه که تعریف شود، دسترسی به آن نیازمند تشخیص و فهم آن است و تردیدی نیست که انسان در مرحله کودکی فاقد این توانایی و امکان است. بنابراین در این مرحله مطلوب است تربیت با تبعیت از مربی و تحت راهنمایی او باشد. البته باید توجه داشت که پا به پای رشد ذهنی و معرفتی کودک باید از روش تبعیت فاصله گرفت.

۱. شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق خطبه ۲۳۳ ص: ۲۸۴

۲. شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق خطبه ۲۳۳ ص: ۲۸۴

۳. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجّه البیضا فی تهذیب الاحیاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۱۸.

۴. ژان ژاک؛ امیل، ترجمه: غلامحسین زیرک زاده، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۸۰ ش، ص ۶۵

۵. مایر، فردریک؛ تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه: علی اصغر فیاض، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۴.

ج ۲، ص ۳۵۶

۶. مایر، فردریک؛ تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه: علی اصغر فیاض، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۴ ش.

ج ۱، ص ۲۲

۷. کوی، لوتان؛ آموزش و پرورش: فرهنگ‌ها و جوامع، ترجمه: دکتر محمد یمنی دوزی سخابی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،

۱۳۷۸، ص ۳۵۶

تراویس هیرشی^۱ صاحب نظریه «خودکنترلی»^۲ قائل است که خودکنترلی پایین علت ارتکاب جرائم بوده و جامعه‌پذیری شاه‌کلید اصلاح بزه‌کاران است.^۳ هیرشی نابودی بنیان خانواده را ریشه شرارت‌های روزافزون اجتماعی می‌داند نه تشتت و نابسامانی‌های اجتماعی را. از نظر او بزه‌کاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف بشود یا به طور کلی از بین برود. او این قیود را تحت چهار مفهوم دلبستگی یا وابستگی^۴، تعهد^۵، اشتغال یا درگیر بودن و مشغولیت^۶ و ایمان یا باور و اعتقاد^۷ مطرح نمود و نظریه کنترل اجتماعی^۸ خود را بر همین اساس پایه‌ریزی کرده است.^۹

توضیح این‌که فرد با کنترل پایین، در انتخاب رفتار مجرمانه، پیامدهای منفی درازمدت ناشی از نفس عمل نظیر تأثیر مصرف مواد مخدر بر سلامت یا ناشی از محیط اجتماعی و خانوادگی مثل واکنش همسر به عدم وفاداری یا ناشی از دولت مانند مجازات را به فراموشی می‌سپارد و سعی در ارضای فوری امیال خود دارد.^{۱۰}

۳-۴- راه‌کارهای ارتقاء خودکنترلی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی جوانان

قبل از پرداختن به راه‌کارهای ارتقاء خودکنترلی لازم است مفهوم آسیب اجتماعی تبیین شود. از نظر لغوی «آسیب» به معنای آفت، بلا، آزار، خدشه، زخم، ضربه، گزند، لطمه و... آمده است.^{۱۱} و مراد از «آسیب‌های اجتماعی» یعنی کج‌روی‌ها و رفتارهایی مانند: اعتیاد، خودکشی، رشوه‌خواری، ولگردی، زورگیری،... که تخطی از هنجارهای اجتماعی و انتظارات جامعه محسوب می‌شود و در نتیجه بسیاری از مردم آن را منفی ارزیابی می‌کنند.^{۱۲} راه‌کارهای ارتقاء خودکنترلی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی جوانان تحت عناوین راه‌کارهای جامعه‌پذیرکننده جوانان و راه‌کارهای مهارت‌افزایی تبیین می‌شود.

۳-۴-۱- راه‌کارهای جامعه‌پذیرکننده جوانان

تنظیم برنامه‌ها و فرایندهایی که موجب جامعه‌پذیری جوانان و رفتارهای متناسب با هنجارها و ارزش‌های جامعه در آنان بشود آسیب‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. براین اساس گفته‌اند که: «برنامه‌های جامعه‌پذیرکننده به گونه‌ای که فرد منافع جمعی را بر منافع شخصی ترجیح دهد و به حقوق دیگران احترام بگذارد مانع از ارتکاب جرم می‌شود».^{۱۳} همچنین گفته شده است که: «از مکانیزم‌های جامعه‌پذیرکننده فرایندهایی است که افراد را بر آن می‌دارد تا به شکلی همساز با هنجارها و ارزشهای جوامع خویش رفتار نمایند».^{۱۴}

1. Travis_Hirschi

۲. از نظریه پردازان کنترل اجتماعی؛ جامعه‌شناس معاصر آمریکایی، متولد ۱۹۳۵ که از دانشگاه کالیفرنیا فارغ‌التحصیل شد و در دانشگاه آریزونا تدریس میکرد رئیس سابق انجمن جرم‌شناسی آمریکا با نظریه خودکنترلی به عنوان نظریه عمومی جرم که با همکاری مایکل گاتفردسون در سال ۱۹۹۰ ارائه شد، شناخته میشود. هیرشی برای کار خود جوایز مختلفی از جمله جایزه Wright Mills از انجمن مطالعه مشکلات اجتماعی و جایزه ساترلند از انجمن جرم‌شناسی آمریکا را دریافت کرد. در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه جرم‌شناسی استکهلم شد و در ۲۰۱۷ دیده از جهان فرو بست.

(https://en.wikipedia.org/wiki/Travis_Hirschi.)

3. Hirschi and Gottfredson, 1993: 155.

4. Attachment

5. Commitment

6. Involvement

7. Belief

8 Social Control Theory.

9. Hirschi, Travis (1969), Causes of Delinquency, Berkeley and Los Angeles: University of California Press. Hirschi and Gottfredson, 1969: 16-34

۱۰. مارش، یان، والکینگتن، ژنو، نظریه‌های جرم، مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، میزان، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱

۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی (متوسط)، چاپ هفتم، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۴، ج ۱ ص ۵۸

۱۲. سهراب زاده، مهران، فرهنگنامه آسیب‌های اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹، ص ۱۹

۱۳. ویلیامز، فرانک، مکشین، ماریلیندی، نظریه‌های جرم‌شناسی، مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، میزان، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴

۱۴. مگوایر، مایک، مورگان، راد، رینر، رابرت، دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، میزان، ۱۳۹۳، ص ۶۵۶

از جمله راه‌کارهای جامعه‌پذیرکننده جوانان عبارت است از: جامعه‌پذیری از طریق نهاد خانواده، پیوستگی‌های اجتماعی و دگرکنترلی که توضیح داده می‌شود.

الف- جامعه‌پذیری از طریق نهاد خانواده

خاستگاه نخستین پرورش جامعه‌پذیری، کانون خانواده و سپس مدرسه است. هیرشی و گاتفردسون درباره مکانیزم صحیح مطابق با نظریه خویش این‌گونه اظهار نظر کرده‌اند: «سیاست‌های منتهی به افزایش توان نهادهای خانوادگی برای اجتماعی کردن بچه‌ها، تنها سیاست بلندمدت واقع‌گرایانه با توان بالقوه برای کاهش اساسی جرم است».^۱

آیات و روایات فراوانی از جمله اُنْكُحُوا الْاَيَامِي مِنْكُمْ (نور/ ۳۲) [مردان و زنان] بی‌همسر شایسته خود را همسر دهید. توصیه به تشکیل نهاد خانواده جهت تحقق تقوی و جلوگیری از جرائم وجود دارد. توصیه‌های مؤکد به تشکیل نهاد خانواده تا جایی که ترک آن را موجب بروز فتنه و فساد کبیر بر روی زمین معرفی می‌کند.^۲ در واقع می‌توان گفت ازدواج بهترین راهکار مدیریت نیاز جنسی و پیشگیری از جرائم جنسی است.

ب- صله رحم و پیوستگی‌های اجتماعی

آیه شریفه وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ (نسا: ۱) (خود را از مخالفت با خدایی که به نام او از همدیگر درخواست می‌کنید نگه دارید و از خویشاوندان مبرید). که در کنار توصیه به تقوی، بر معاشرت با خویشان و بستگان تأکید دارد، نگاه وسیع‌تری به روش جامعه‌پذیرکننده‌گی دارد.^۳ در تفسیر آیه مذکور آمده است که خداوند تقوی را با صله رحم مقرون ساخت؛ پس هر کس صله رحم نکند تقوی ندارد.^۴ شاید دلیل این اندازه از اهمیت صله رحم این باشد که این رهنمون علاوه بر ایجاد و افزایش جامعه‌پذیری افراد، خود آفریننده یک نظارت غیررسمی متقابل است که در بین اعضای یک خاندان به شکل کنشی و واکنشی رخ می‌نماید و ضامنی قوی جهت رعایت سایر دستورات الهی است ناگفته پیداست اعضای که در صدد سبک زندگی خاص همراه با اعمال و رفتار مجرمانه هستند از روابط خویشاوندی فراری‌اند. آنها رفت‌وآمدهای خانوادگی را مانع خویش جهت اتخاذ سبک زندگی مورد علاقه‌شان دانسته و با کاستن یا ترک آن در نظر دارند این مانع بزرگ برای ارتکاب جرائم را از سر راه بردارند؛ افزون بر پیوستگی‌های خویشاوندی، معاشرت با همسایگان از دیگر توصیه‌هایی است که به سهم خود در ایجاد و ارتقا جامعه‌پذیری افراد مؤثر است. مساعدت هنگام حاجت، عیادت هنگام کسالت، شرکت در مجالس شادی و عرض تهنیت، تشییع پیکر درگذشتگان از همسایگان و عرض تسلیت از جمله سفارش‌های این دیدگاه می‌باشد.

ج- نهی از منکر و دگرکنترلی

آیات و روایات نهی از منکر توصیه مؤکدی بر دگرکنترلی است؛ راه‌کاری که تحت چارچوب و شرایط خاص و دقیق و دلسوزانه، رعایت قوانین و حقوق افراد و جامعه را به عضو خاطی تذکر داده و وی را به سمت جامعه‌پذیری سوق می‌دهند. بر اساس توصیه امیرالمومنین (ع): «أُمُرٌ بِالْمَعْرُوفِ نَكْرٌ مِنْ أَهْلِهِ»^۵ (به کار نیک امر کن تا خودت اهل آن کار نیک گردی). با دقت در این نوع روایات می‌توان دریافت که تأثیر نهی از منکر بر جامعه‌پذیری و برگرداندن فرد به ارزش‌های مورد توافق جامعه تنها متوجه خاطی و بزهکار نیست بلکه برای خود نهی‌کننده نیز مفید است. در جرم‌شناسی گفته می‌شود زمانی که روابط و هنجارها شروع به شکسته شدن می‌کند کنترل‌هایی که آنها می‌آفرینند، شروع به خراب شدن و ناپدید شدن می‌کنند و شکست این کنترل‌ها به وقوع جرم می‌انجامد.^۶

۱. ویلیامز، ۱۳۸۳ ص ۲۲۱

۲. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳: صص ۵۲ و ۵۴

۳. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۳

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق، الخصال، مترجم، یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۲۳

۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح رجایی، سید مهدی، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق یا ۱۹۹۰م، ص: ۱۴۳

۶. ویلیامز، ج ۱۱۳۸۳: ۲۰۳.

۳-۴-۲- راه‌کارهای مهارت افزایی

آموزه‌های دینی، علاوه بر راه‌کارهای جامعه‌پذیرکننده برای ارتقاء خودکنترلی، راه‌کارهایی را جهت تقویت کنترل‌های درونی ارائه می‌دهد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

الف- کنترل شهوت

ضرورت حفظ و بقای نسل آدمی اقتضا داشت که در وجود انسان نیرویی قرار داده شود تا به صورت غریزی انسان را به خوردن، خوابیدن و تولید مثل سوق دهد که به آن شهوت گویند.^۱ قوه‌ای که برانگیزاننده انسان بر جلب امورخیر و جذب منافع است.^۲ استفاده نابجا در به‌کارگیری این موهبت الهی، موجب خروج انسان از مدار عقل و ارتکاب جرائم متعددی از قبیل روابط نامشروع، جرائم علیه اموال و غیره خواهد شد.^۳ تبعیت نادرست از قوه شهوت خودکنترلی را از بین می‌برد. حضرت علی(ع) در این باره فرمودند: «لَا يُفْسِدُ التَّقْوَى إِلَّا غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ»^۴ (چیزی جز غلبه شهوت تقوی را تباه نمی‌کند). آموزه‌های دینی برای مهار این قوه و پیش‌گیری از آفات آن، راه‌کارهایی را ارائه می‌دهد که یکی از آن‌ها روزه گرفتن است. روزه‌داری تمرینی پیش‌گیرانه در برابر وسوسه‌های احتمالی به ارتکاب جرائم شهوانی است. روزه گرفتن اقدامی است که شهوت را تضعیف کرده و توان مقاومت فرد در برابر کشش‌های نفسانی و توان پرهیز از ارتکاب جرائم را افزایش می‌دهد. خداوند حکیم در قرآن کریم پس از امر به گرفتن روزه و بیان وجوب آن در شرایع پیشین، فایده و هدف از این واجب دینی را ایجاد تقوی در روزه‌داران معرفی میکند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳) نگهداری بطن از اکل و شرب مسکرات، نجاسات، گوشت برخی حیوانات، لقمه حرام و غیره از دیگر دستورالعمل‌های این دیدگاه می‌باشد. مأكولات و مشروباتی که بنا بر احادیثی با تضعیف خودکنترلی رابطه‌ای مؤثر دارد.^۵ مانند: «مَنْ أَكَلَ الْحَرَامَ عَصَتْ جَوَارِحُهُ عَلَيْهِ ... وَ مَنْ كَانَتْ طَعْمَتُهُ حَلَالًا أَطَاعَتْ جَوَارِحُهُ». (هر کس چیز حرامی بخورد اعضا و جوارحش از کنترل وی خارج می‌شوند... و هر کس طعامش حلال باشد اعضا و جوارحش از او اطاعت می‌کنند). در برخی منابع اسلامی از شرب خمر به عنوان بزرگترین گناه یاد شده است «مَا عُصِيَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنْ شُرْبِ الْمُسْكِرِ»^۶ نتایج یک پژوهش در بین کارکنان اداری نشان از آن داشت که میان حرام‌خواری با مهار درونی همبستگی منفی وجود دارد.^۷ از این بین، تأثیر مسکرات در تزلزل کنترل‌های درونی و از دست دادن افسار شهوت بر کسی پوشیده نیست. برخی آمارها از ایالات متحده حاکی از آن است که الکل در نیمی از همه قتل‌ها و تجاوزها در آمریکا نقش دارد.^۸

۱. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، نشر جمال، ۱۳۸۸، ص ۵۷

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ش، نه‌ایه /الحکمه، تحقیق: مسلم قلیپور، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۲، ص ۱۸۹

۳. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۵ ص ۱۷۶ و ۱۴۵

۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ش. ص ۲۷۴ و لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للثی) - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش. ص ۵۳۳

۵. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۳، صص ۲۰۸-۲۱۰، ن.ک: قوسیان مقدم، محمد حسرن و مرادی، محمد، تأثیر مصرف مشروبات الکلی بر سلامت انسان از دیدگاه قرآن کریم و طب نوین، قرآن و طب (۱۳۹۰)، ۳(۵۳): ۶۱-۵۳، شناسه ثابت مقاله: quranmed1۸۱۶۲

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۶۹۴

۷. مرعشی، سید علی، رابطه مصرف غذای غیرحلال با خودکنترلی، جایگاه مهار درونی، هوش اخلاقی و وجدانی بودن، در کارکنان ادارات اهواز، فصلنامه علمی تربیت اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۳، مهر ۱۳۹۹، صفحه ۵۷-۷۷

۸. مرعشی، مهر ۱۳۹۹، دوره ۱۵، شماره ۳۳، ص ۷۱

خودکنترلی مرهون کنترل شهوت است و کنترل شهوت مرهون داشتن خودکنترلی بالاست. نتایج پژوهشی حاکی از نقش تعیین‌کننده خودکنترلی در جلوگیری از میل به هرزه‌نگاری اینترنتی است.^۱ شخصی که از خودکنترلی بالا برخوردار است می‌تواند بر جذابیت‌های شهوانی فائق آید اما شخص گرفتار در شهوات معمولاً از چشم‌پوشی از این لذات عاجز است در جواب به این چالش برخی مکاتب خودکنترلی را پویا دانسته و به عضله تشبیه می‌کنند که با انجام تمرین روزبه‌روز قویتر می‌شود.^۲

هر فردی اگرچه به مقدار کم، توان مقابله با هوس‌های نفسانی را دارد؛ عمل به همان مقدار اندک، فرد را نسبت به قبلش تواناتر ساخته و مانند ورزشکاری که با تمرین مستمر، کم‌کم به توانش افزوده می‌شود این فرد نیز رفته‌رفته قادر به رعایت حدود الهی خواهد شد.

ب- کنترل غضب

از دیگر غرائز و قوایی که خداوند حکیم در نهاد انسان قرار داده است قوه غضب است. این قوه برای دفع خطراتی که حقوق و منافع آدمی را تهدید می‌کند برای حفاظت از خود داده شده است. فایده این قوه قبل از فعلیت هر گونه مزاحمت و آزار^۳ پیش‌گیرانه است و پس از آزار دیدن، کارکردش مقابله به مثل و گرفتن انتقام است.^۴ به‌رغم فواید این قوه، در صورت طغیان، فرد را از مدار عقل و شرع خارج کرده و وی را وادار به ارتکاب جرائم متعددی نظیر ضرب و جرح، قتل، بغی، محاربه و افساد فی الارض و غیره خواهد کرد.^۵

در آموزه‌های دینی برای کنترل و مهار طغیان این قوه راه‌کارهایی پیش‌بینی شده است مانند: سکوت، گرفتن وضو با آب سرد، نشستن فرد اگر ایستاده است، دراز کشیدن روی زمین اگر نشسته است، قرار دادن صورت بر روی خاک... این تغییر وضعیت‌ها می‌تواند موجب تسکین و تسلط بر این قوه بشود.^۶

همچنین بر اساس حدیثی از امام باقر(ع) نزدیک شدن و لمس خویشاوندان راهکار اختصاصی این دیدگاه جهت فرونشاندن آتش خشم و غضب بر ارحام و بستگان میباشد: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَغْضَبُ فَمَا يَرْضَى أَبَدًا حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ فَإِذَا رَجُلٌ غَضِبَ عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ مِنْ قُوْرِهِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رَجْزُ الشَّيْطَانِ وَ إِيْمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى ذِي رَحْمٍ فَلْيَدْنُ مِنْهُ فَلْيَمْسَهُ فَإِنَّ الرَّحْمَ إِذَا مُسَّتْ سَكَتَتْ». (حضرت فرمود: همانا مرد غضب می‌کند و تا داخل دوزخ نشود، هرگز راضی نگردد (تا مرتکب گناهی نشود خشمش تسکین نیابد) پس هر کس بر مردمی خشمگین شد، و ایستاده بود، باید فوری بنشیند، تا پلیدی شیطان از او دور شود، و هر کس بر خویشاوندش غضب کند باید نزدیک او رود و تنش را مس کند (مثلاً دست به دست او ساید) زیرا خویشاوند هر گاه مس شود آرامش یابد).^۷

۴- بخش پایانی خاتمه

اینک در خاتمه این مقاله پس از بحث و جمع‌بندی، نتایج تحقیق گزارش شده و پیشنهادهایی هم ارائه می‌شود.

۱. خالقیان، آرزو؛ سجادیان، ایلناز؛ فاتحزاده، مریم؛ منشئی، غلامرضا، ۱۳۹۸ ش، بررسی نقش میانجی نگرش به هرزه‌نگاری و خودکنترلی در رابطه بین پابندگی، فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۳۹۸، ش ۳۶، ص ۵۵.
۲. علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ معمار، رحمت‌الله؛ نصرته‌هی، سیمین، بررسی تجربی رابطه دینداری، خودکنترلی و رفتار/انحرافی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۳۹۴ ش ۱۶، ص ۲۰.
۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۴ - ۱۳۵.
۴. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ۵: ۲۹۶.
۵. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ۵: ۲۹۷ - ۲۹۸.
۶. فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ۵: ۳۰۷ - ۳۰۸.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ۵: ۲۹۲.

۴-۱- بحث و جمع‌بندی

از آنجا که موضوع در باره تربیت «انسان» و خودکنترلی او است بحث کوتاه و ذکر نکاتی پیرامون شناخت انسان و قوا و قابلیت‌هایش تسهیل‌کننده مفهوم خودکنترلی خواهد بود.

نکته اول: انسان در اصطلاح، موجودی چهار ساحتی است؛ ناسوتی (مادی)، ملکوتی، جبروتی و لاهوتی بنابراین انسان حقیقتی است که در مسیر استکمال خود می‌تواند از مرتبه مادی تا مقام فنا فی‌الله سیر کند^۱

نکته دوم: اعمال انسان دو قسم است: یک قسم اعمال طبیعی و غیر ارادی مانند عمل هضم غذا و گردش خون در بدن و قسم دیگر اعمال ارادی مانند راه رفتن، درس خواندن و همیشه دو راه در پیش دارد: سعادت یا شقاوت، قرآن کریم می‌فرماید: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ* *إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا* (دهر/۳). (یعنی ما راه را به انسان نمایانیدیم، اما پیمودن و نپیمودن آن راه مربوط به خود اوست). در انسان یک قوه‌ای موجود است به نام قوه عقل که خیر و شر و نیک و بد و صلاح و فساد را تمیز می‌دهد، و یک قوه‌ای است به نام قوه اراده که اجرا کننده آن چیزهایی است که عقل تشخیص می‌دهد و محرک و بیدارکننده سایر ملکات و قوای انسان است^۲.

نکته سوم: اعمال انسان که سعادت و شقاوت ما هر دو مربوط به آنهاست، روی پایه‌ها و اساس‌های روحی قرار گرفته. تربیت صحیح، آن پایه‌ها و اساس‌ها را طوری در روح انسان تکوین می‌کند که همیشه کارهای مفید و بزرگ، هدف انسان قرار بگیرد نه کارهای پست و حقیر. ^۳ فایده تربیت این است که آن پایه‌ها و اساسها را طوری در روح افراد تکوین می‌کند که هیچ‌گاه اراده انسان متوجه کارهای زشت و پست نمی‌شود، همیشه کارهای خیر و شایسته و به تعبیر قرآن «عمل صالح» غایت و هدف انسان قرار می‌گیرد.

نکته چهارم: یکی از بزرگترین نیازمندی‌های انسان هدایت و راهنمایی افکار در مسائل دینی است. تعلیمات اسلام اگر خالی از هر گونه تحریفی اجرا شود و پایه برنامه تربیتی قرار بگیرد، بهترین ضامن سعادت جامعه است^۴.

نکته پنجم: یکی از عوامل تربیت و ترقی اخلاقی، توسعه فکر است چون جهل و نادانی را امراض (مادر همه دردها) شمرده‌اند:^۵ در ظلمت نادانی حقایق امور و واقعیات مخفی می‌شود و نوبت افسانه می‌رسد آنگاه خیالات واهی به صورت عقاید خرافی و موهومات در جامعه منتشر می‌شود.

خرابی‌هایی که در دین واقع می‌شود، بدعت‌هایی که داخل دین می‌گردد، یک قسمت مهمش از جهالت و بی‌علمی است. پیغمبر اکرم فرمود: «دو طبقه پشت مرا شکسته‌اند یکی دانشمندان بی‌مبالات و بی‌پروا و دیگری عبادت‌کنندگان نادان»^۶

نکته ششم: برخی تربیت‌های امروز مسخ کردن انسان است، تربیت صحیح اساسش این است که شکل ندهد و در یک قالب خاص نریزد.^۷

نکته هفتم: از جمله مسائلی که در مورد تعلیم و تربیت اسلامی مطرح است مسئله محبت و نقطه مقابل آن، بغض و خشونت است. اثر محبت، احسان و نرمی است و اثر بغض، خشونت و سخت‌گیری.

۴-۲- نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش در راستای دستیابی به پاسخ سؤال اصلی به شرح ذیل است:

۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *المبدأ و المعاد*، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ ش، ص ۳۲۵

۲. مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص: ۳۰۳

۳. مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص: ۳۰۶

۴. مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص: ۳۰۳-۳۰۵

۵. مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص: ۳۰۶

۶. - مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان ۱۳۶۸، ج ۲/ ص ۱۰۶.

۷. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. *یادداشت‌های استاد مطهری*. ج ۱۷. تهران ایران: صدرا. ج ۱۱، ص: ۸۶ و ۸۵

- (۱) از چهار رکن تربیت (مربی، متربی، محتوی و زمینه) مؤثرترین نقش مربوط به خود متربی است. که از طریق خودکنترلی و غلبه بر امیال و خواهش‌های نفسانی و احساسات سرکش، روح را رام و مطیع ساخته و مانع از ارتکاب جرم و خطا می‌شود.
- (۲) واژه تقوا و مشتقاتش از پرکاربردترین واژه‌ها در قرآن و نهج البلاغه است و به معنای «خودنگهداری» است نه ترس، پرهیز و اجتناب.
- (۳) تحقیقات و نظریات صاحب نظران حوزه تربیت مانند هیرشی برآن است که خودکنترلی پایین و ضعیف، علت ارتکاب جرائم بوده و جامعه‌پذیری شاه‌کلید اصلاح بزهکاران است.
- (۴) در تربیت دینی واژه تقوی به معنای ملکه و حالت معنوی و درونی که انسان را از زشتی‌ها و آنچه مورد نهی خداوند متعال است، باز می‌دارد رساننده مفهوم خودکنترلی و خودمدیریتی است. که با ایمان و عمل صالح بوجود آمده و قوام میابد.
- (۵) عامل اعتماد بر تربیت دینی با آموزه‌های اسلامی، تطهیر فضای ذهن از تخیل جرائم و کج‌روی‌های خیالی با تقویت تقوی، ورع و مراقبه؛ موجب افزایش توان انسان در برابر کنترل خود شده و از ارتکاب جرم و ابتلاء آن‌ها به آسیب‌های اجتماعی پیش‌گیری می‌کند.
- (۶) مبانی تربیت دینی گزاره‌های بنیادین جهان‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه‌ای هستند که جایگاه انسان را در جهان هستی از منظر دین بیان می‌کنند..
- (۷) نظام تربیت دینی مبتنی بر مبانی خاصی است که از طریق بینش حاصل از آموزه‌های دینی نشأت می‌گیرد و اصول تربیت دینی که دربرگیرنده ارزش‌ها و اولویت‌ها است از مبانی استخراج می‌شوند و روش‌های تربیت نیز مبتنی بر آن اصول هستند.
- (۸) مهمترین راه‌کارهای ارتقاء خودکنترلی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی جوانان عبارتند از: تنظیم برنامه‌ها و فرایندهایی که موجب جامعه‌پذیری جوانان و رفتارهای متناسب با هنجارها و ارزش‌های جامعه در آنان بشود؛ استفاده از سیاست‌های منتهی به افزایش توان نهادهای خانوادگی برای اجتماعی کردن جوانان؛ توسعه فرهنگ دینی صلّه رحم و معاشرت با خویشان برای تقویت جامعه‌پذیری جوانان، استفاده صحیح از مکانیزم نهی از منکر و دگرکنترلی تحت چارچوب و شرایط خاص و دقیق و دلسوزانه، در راستای جامعه‌پذیری و استفاده از آموزه‌های دینی، جهت تقویت کنترل‌های درونی قوای شهوت و غضب.
- (۹) مهم‌ترین شاخص‌های تربیت متربی محور عبارت است از: آزادی‌مداری، مسئولیت‌مداری، اندیشه‌مداری، الگو‌مداری و روش‌مندی.

۴-۳- پیشنهاد

با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود متولیان خط‌مشی‌گذار در حوزه‌های آموزشی و فرهنگی و اجتماعی از طریق بازنگری در سیاست‌ها با نگاه به آینده خط‌مشی‌ها و مأموریت‌های جدید و متناسبی برای ارتقاء خودکنترلی و تقویت جامعه‌پذیری جوانان تدوین و در مراجع قانونی مربوط به تصویب برسانند.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق، *الخصال*، مترجم، یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، مؤسسه التاریخ العربی - بیروت - لبنان، ۱۴۲۱.
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، مصحح رجایی، سید مهدی، دار الکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق یا ۱۹۹۰ م.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم* - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ ش.
۵. خالقیان، آرزو؛ سجادیان، ایلناز؛ فاتحیزاده، مریم؛ منشئی، غلامرضا، ۱۳۹۸ ش، *بررسی نقش میانجی نگرش به هرزه‌نگاری و خودکنترلی در رابطه بین پابندی، فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۳۹۸، ش ۳۶، ص ۵۵.
۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *فلسفه تعلیم و تربیت*، ۱۳۸۴.
۷. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، مرتضوی - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۴.
۹. ژان ژاک؛ امیل، ترجمه: غلامحسین زیرک زاده، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. سبزواری، هادی، *شرح منظومه*، به کوشش حسن زاده آملی، تهران، نشر ناب، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. سهراب زاده، مهران، *فرهنگنامه آسیب‌های اجتماعی*، تهران: جامعه شناسان، ۱۳۸۹.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)* - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *المبدأ و المعاد*، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ ش.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ش، *نهایه الحکمه*، تحقیق: مسلم قلیپور، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۲.
۱۶. طریحی، فخر الدین؛ *مجمع البحرین*، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. عبد الباقي؛ محمد فؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، دار الکتب المصریة القسم، ۲۰۱۶ م.
۱۸. عبدالله جوادی آملی، *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۹. علیوردی نیا، اکبر؛ معمار، رحمت‌الله؛ نصرترهی، سیمین، *بررسی تجربی رابطه دینداری، خودکنترلی و رفتار/انحرافی، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۳۹۴.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن، *المحجّه البیضا فی تهذیب الاحیاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۳. قوسیان مقدم، محمد حسن و مرادی، محمد، تأثیر مصرف مشروبات الکلی بر سلامت انسان از دیدگاه قرآن کریم و طب نوین، قرآن و طب ۱۳۹۰؛ (۳): ۵۳-۶۱ شناسه ثابت مقاله 18162:quranmed.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، (ط - دار الحديث) - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹.
۲۵. کوی، لوتان؛ آموزش و پرورش: *فرهنگ‌ها و جوامع*، ترجمه: دکتر محمد یمنی دوزی سخابی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۸.
۲۶. لیشی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ (للیشی)* - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶.
۲۷. مارش، یان، *والکینگتن، زئو، نظریه‌های جرم*، مترجم: حمیدرضا ملک محمدی، تهران، میزان، ۱۳۸۹.

۲۸. مایر، فردریک؛ *تاریخ اندیشه‌های تربیتی*، ترجمه: علی اصغر فیاض، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۴.
۲۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی - بیروت - لبنان، ۱۳۶۸.
۳۰. مرعشی، سیدعلی، *رابطه مصرف غذای غیرحلال با خودکنترلی*، جایگاه مهار درونی، هوش اخلاقی و وجدانی بودن، در *کارکنان ادارات/هوازی*، فصلنامه علمی تربیت اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۳، مهر ۱۳۹۹، صفحه ۵۷-۷۷.
۳۱. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۳۲. مصطفی، ابراهیم، نجار، محمد علی، *المعجم الوسیط*، زیات، احمد حسن، عبدالقادر، حامد، دار الدعوة، ۱۹۸۹م.
۳۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار (حکمتها و اندرزها)* (۱ و ۲)، ۱۳۸۹.
۳۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار (تقوا) ده گفتار*، ۱۳۸۹.
۳۵. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار (سیری در نهج البلاغه)*، ۱۳۸۹.
۳۶. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، ۱۳۸۲.
۳۷. مطهری، مرتضی. *یادداشت‌های استاد مطهری*. ۱۷ ج. تهران ایران: صدرا. ۱۳۷۸.
۳۸. معین، محمد، *فرهنگ فارسی (متوسط)*، چاپ هفتم، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۴.
۳۹. مگوایر، مایک، مورگان، راد، رینر، رابرت، *دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد*، مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، میزان، ۱۳۹۳.
۴۰. ملک، فاطمه، اخوان مقدم، زهره، قطبی، ثریا، *مؤلفه‌های شناختی خودکنترلی در روایات امام رضا (ع) با روش تحلیل محتوا*، فرهنگ رضوی، سال هشتم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۳۲، صص ۱۷۵-۲۰۸.
۴۱. موحدی لنگرانی، محمد فاضل، کریمی، حسین، *آئین کشورداری امام علی (ع)*، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
۴۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۵.
۴۳. نراقی، ملااحمد، *معراج السعاده*، قم، نشر جمال، ۱۳۸۸.
۴۴. ویلیامز، فرانک، مکشین، ماریلیندی، *نظریه‌های جرم‌شناسی*، مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.